



شهید محسن نوروزی

ولادت: ۱۳۳۶/۷/۲۱، استان تهران

پذیرش در رشته جامعه‌شناسی

شهادت: ۱۳۶۱/۲/۱۶، عملیات آزادسازی خرمشهر

آرامگاه: تهران، بهشت زهرا، قطعه ۲۶، ردیف ۳، شماره ۴۵

زندگی‌نامه

شهید محسن نوروزی در بیست و یکم مهر ۱۳۳۶ در تهران متولد شد. پس از دریافت مدرک دیپلم به منظور ادامه تحصیل در رشته فیزیک مکانیک به آمریکا مهاجرت کرد. با آغاز انقلاب اسلامی به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۸ در رشته جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد. او پیش از انقلاب فرهنگی و تعطیل شدن دانشگاه‌ها، کلاس را به نشانه اعتراض به نظام آموزشی موجود و رخنه ضد انقلاب و گروهک‌ها در دانشگاه تحریم کرد و در سنگر معلمی دبیرستان‌های تهران به فعالیت پرداخت.

در این زمان که امپریالیسم مزدور با نام سازمان مجاهدین خلق (گروهک منافقین) برای به انحراف کشیدن انقلاب اسلامی و کنار گذاردن یاران امام وارد صحنه شده بود تا هر روز فاجعه جدیدی در گوشه و کنار کشور به بار آورد، شهید نوروزی برای مبارزه با این حرکات مذبحخانه به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوست و در بخش فرهنگی - عقیدتی سپاه به افشای چهره منافقان پرداخت.

آمریکا که مهره‌های مزدور خود را رسوا دید، صدام را وارد بازی با ایران نمود و جنگ ناخواسته‌ای را به ایران تحمیل کرد. شهید نوروزی به جبهه اعزام شد و سرانجام در شانزدهم اردیبهشت ۱۳۶۱ در عملیات آزادسازی خرمشهر به شهادت رسید.

فرازی از وصیت‌نامه

به همسر و خانواده عزیزم توصیه می‌کنم که «خدا» را همیشه به یاد داشته باشید که بی «او» زندگی بی‌معنی است؛ بی «او» مردن بی‌معناست؛ بی «او» همه چیز بی‌معناست. سعی کنید همه اعمال خود را برای بندگی و عبادت خدا انجام دهید. سعی کنید منیت را که از نفوس شیطانی است، از خود دور کنید و فقط به ریسمان ناگسستن «الله» بچسبید که هم سعادت دنیا را خواهید داشت و هم سعادت آخرت را. سعی کنید که امور زندگی‌تان را بر اساس ضوابطی که اسلام مقرر فرموده است قرار دهید؛ این قدر پای‌بند روابط نباشید.

فقط برای اسلام دل بسوزانید و در مقابل کفار و منافقین خشم و کینه‌تان را آشکار کنید. اگر کفار و منافقین حربی نیستند، از آنها دوست نگیرید و اگر می‌بینید تأثیر مثبتی بر آنها ندارید، رابطه‌تان را با ایشان قطع کنید. همیشه در احکام الهی متعصب باشید. نماز را سر وقت خوانده و از دعاها غفلت نکنید. سعی کنید به مساجد سر بزنید و مدتی از وقت‌تان را برای مساجد قرار دهید. گوش به فرمان امام خمینی باشید که در این صورت راه الهی را از دست نخواهید داد.

ای برادران و خواهران صلیبی و پدر و مادر عزیز و همسر عزیزم! زندگی به راستی چیست؟! غیر از معرفت الله و فنا شدن در راه او و یک سری اعمال برای رفتن به زندگی ابدی؟ آنها که هنوز در جامعه ما به این جمع‌بندی نرسیده‌اند، چنان چه هدایت پذیرند، خدا آنها را هدایت کند و اگر نیستند، با عدل خود با آنان رفتار نماید.

من از زمانی که شغل شریف پاسداری را انتخاب کرده‌ام، خود را غیر از سرباز کوچک اسلام که سعی در خودسازی برای آماده شدن و جان دادن در راه خدا برای حفظ اسلام و برقراری حکومت اسلامی در جهان دارد، ندانسته و نظر دیگری نداشته‌ام؛ ولی از آن‌جا که موقعیت من در سپاه در بخش عملیاتی اندک بود، همیشه رنج می‌کشیدم تا این که منافقان خلق و مجاهدین در راه نوکری آمریکا، نبرد حق و باطل و اسلام و کفر را به درون ایران کشاندند. در نتیجه خدا را سپاس گفته و خود را آماده نبرد با این جبهه داخلی کردم، اما یک مسئله همیشه مرا عذاب می‌داد و آن، ضعف من در خودسازی بود که نگران بودم چگونه در پیشگاه خدا حاضر شوم؟ بدین معنا که خود را بسیار کوچک‌تر از مقام یک شهید احساس می‌کردم و امیدوارم خدا این مقام را به من عطا کند. اگر لیاقت شهادت را ندارم که می‌دانم ندارم، به من توفیق رسیدن بدین عزت و شایستگی را عنایت فرماید.

پدر و مادر گرامی‌ام! اگر می‌خواهید خط اسلام را از دست ندهید، از امام پیروی کنید؛ امامی که به‌راستی نائب بر حق امام زمان (عج) است؛ امامی که به راستی در مرتبه والایی از خودسازی و شناخت الله قرار دارد؛ امامی که توصیفش از قلم من خارج است.

گاهی فکر می‌کردم که چرا نباید ما مسلمین، سعادت درک حضور رهبری همچون ائمه معصومین را داشته باشیم؟ چرا نباید ما نیز در عهد پیامبر اسلام به دنیا می‌آمدیم تا او را از نزدیک لمس کنیم؟ حال می‌بینیم خدا چگونه توسط نواب عام امام زمان (ع)، این خواست قلبی مسلمین را اجابت کرده است.